

یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۴
طن امروز | شماره ۴۵۳۶



فرهنگ و هنر |

به عبارت دیگران

وعده قطعی و بی بر وبرگرد خداوند

خدای متعال در قرآن مکرّر گفته «کُتِبَ‌اللهُ لَآعَلَّیْنَ اَنَا وَرَسُلِیْ»^{۱)} «کُتِبَ‌اللهُ» یعنی قانون قطعی خداست که راه پیغمبران غلبه پیدا خواهد کرد و دیگر بحثی ندارد، «اِنَّ الله یدافع عَنِ الذِّیْنِ اٰمَنُوْا»^{۲)} خدا از مؤمنین دفاع خواهد کرد؛ در این هیچ تردیدی نیست، یا «وَ تَرٰیْدُ اَنْ تُعٰمِنَ عَلٰی الذِّیْنَ اسْتَضٰعُوْا فِی الْاَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ اٰثِمَةً»^{۳)} در این هیچ تردیدی وجود ندارد؛ این قول خدای متعال است.

۱- خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم، چرا که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

(مجادله/۲۱)

۲- خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند؛ خداوند هیچ خبیانکار ناسپاسی را دوست ندارد. (حج/۳۸)

۳- ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. (قصص/۵)

سیدعلی حسینی خامنه‌ای
بیانات در دیدار رضائی دانشجویان
۱۴۰۲/۱/۲۹

صالحان چه نیازی به مصلح دارند؟!‌

در همان روزگار چاپ رساله «خورشید مغرب»، جوانی از دوستان دانشجو من پرسید: «این عبارت یعنی چه؛ خلقی که در انتظار مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشند؟ اگر خود صالح باشند، چه نیازی به مصلح دارد؟» گفتم: پاسخ این سؤال در «ی» تکره «خلق» است. نمی‌گوییم جهان سراسر باید صالح باشد، تا بگویند پس چه نیازی به مصلح؟ و پیداست که جهان مقارن ظهور، سراسر، آکنده است از فساد و ستم و تباهی و تجاوز و عدوان، بلکه می‌گوییم در میان این جهان آکنده از ستم و جور و مملو از گناه و فسق و فساد، که همه جا را تاریکی تباهی‌ها و تجاوزها و فجورها و تطاول‌ها و عدوان‌ها گرفته است و مرحمان همه غرق‌اند در متضلاب‌انحراف بزرگ و از قدرت الهی و نیروی غیبی و اسرار عالم بی‌خبرند و غافل و از دین خدا و احکام انبیا دورند و منحرف، در چنین جهانی و در چنین حال و احوالی، آن دسته و آن قوم که به خدا مؤمنند و به عیب و ایمان و غیب معتقدند و خود را اهل دین می‌شمارند و امام غایب ناظر بر کردارها را باور دارند و خوشبختن را شیعه آن امام می‌دانند جزء جوهر اصلی دین‌شان، «عمل صالح» است و خود منتظرند و شب و روز چشم به راهند تا آن امام برسد و جهان را از ظلم و فساد و تباهی برهاند و به صلاح بازآورد و پیوسته در دعاهای خوش می‌خوانند که: «خدایا! ما را از یاران آن امام قرار ده!» و ندبه می‌کنند و توسل می‌جویند و آن امام مصلح را می‌طلبند، اینچنین قومی – در میان جهان بزرگ فساد و ظلم و بی‌خبری – نباید خود منحرف و غرق در فساد و تجاوز و ستم به یکدیگر باشند، نباید غافل و بی‌خبر باشند، اگر باشند خلاف منطق «نظار مصلح» است، بلکه چنین قومی باید خود صالح باشند و پیش از ظهور مهدی نیز به او اقتدا نمایند (چنانکه در حدیث پیامبر اکرم(ص) بود) و طبق رضای آن امام عمل کنند و به آرمانی که مقدس می‌شمارند، یعنی نشر صلاح و عدل در همه جهان، خود پایبند باشند...

چنین قومی باید خود «صالح» باشند، تا با «مصلح» سنجیت داشته باشند و در ادعای خود صادق به‌شمار آیند و چون مصلح ظاهر شود، بتوانند در کنسار او قرار گیرند و از یاوران پرهیزگار و امین و باشند و با کمک او صلاح و فلاح را در جهان بگسترانند. این قوم و این ملت، باید در میان دریای متلاطم بشریت، جزیره‌ای باشند نمودار آرمانی که از آن دم می‌زنند و آن جوهر دین خود را می‌دانند و چشم به راهند که امام‌شان بیاید، تا آن چگونه را به کمک و رهبری او در همه جای جهان گسترش دهند...

آری روزی، گروهی از مردم جهان، به امامت و رهبری مهدی موعود(عج)، وارثان زمین و حاکمان گیتی و خلفای ارض خواهند شد، اما چه کسانی؟ صالحون، آن ارض تریزها عِبَادِی الصّٰلِحِیْنَ. پس، «خلق» که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد.

محمدرضا حکیمی
خورشید مغرب
دفتر نشر فرهنگ اسلامی
صفحه ۳۳۴

در راه کار برای امیرالمؤمنین...

یکی از نوادگان علامه امینی نقل کرده است: مرحوم علامه امینی چنان غرق کار می‌شد که می‌فرمود: من به هنگام تحقیق اصلاً سرما و گرما را متوجه نمی‌شوم.

همچنین نقل می‌کند: روزی از اتاق ایشان چنان دودی بلند شد که گمان کردیم اتاق آتش گرفته است. به آن اتاق رفتیم و دیدیم ایشان مشغول کار است، چراغ نفتی روی زمین افتاده و دود همه جا را فرا گرفته و ایشان چنان عاشقانه مشغول کار برای امیرالمومنین علیه‌السلام است که اصلاً متوجه اطرافش نشده بود. او می‌گوید چند روز طول کشید تا توانستیم دوده‌ها را جمع و فضاها را مجدد آماده کنیم

حامد کاشانی
قبیله کعبه‌زاد
نشر معارف
جلد ۲، صفحه ۹۶

حضرت امام حسین(ع)؛

هر کس حق عبودیت خدا را به جا آورد، خداوند بیش از حد انتظار و کفایتش به او عطا می‌کند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیکی
پيام‌رسان:
چاپ: موسسه جام‌چم پرتز برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

نگاهی به مستند ملانیا ترامپ و رسوایی عوامل تولید آن در ارتباط با جزیره فساد

ملانیا، راتنر، اپستین و دیگران



ایالات متحده اکران شد. ایده ساخت فیلمی مستند درباره ملانیا ترامپ، همسر دونالد ترامپ، در یک شام در مارالاگو که محل سکونت ترامپ است، سال ۲۰۲۴ به جف بزوس، مدیرعامل سابق آمازون پیشنهاد شد.ملانیا ترامپ گفت انگیزه از او این کار، استقبال گرم از خاطراتش در سال ۲۰۲۴ است. توضیح یکی دو جمله‌ای چندین تناقضی ویرانگر وجود دارد. ساخته می‌شود که چندین سال بود به دلیل اظهارنظر علیه همجنس‌بازان و پس از آن طرح ادعای چند تجاوز جنسی توسط او، از سینما دور مانده بود. فرناندو سولویچس هم به عنوان تهیه‌کننده اجرایی معرفی شد. باافاصله آمازون، دیزنی، نتفلیکس و پارامونت پیکچرز برای حق پخش آنلاین اثر پیشنهاداتی مالی ارائه دادند. دیزنی حدود ۱۴ میلیون دلار پیشنهاد داد اما در برابر پیشنهاد ۴۰ میلیون دلاری آمازون برای صدور مجوز فیلم و تولید یک سریال مستند دنباله‌دار درباره ملانیا ترامپ شکست خورد. این بالاترین قیمتی بود که تا به‌حال در طول تاریخ سینما برای یک مستند پرداخت شده است. ملانیا ترامپ گفت پیشنهاد آمازون را به دلیل گنجاندن اکران سسیمیایی پذیرفته است؛ اما ظاهراً او تنها برنده این پروژه بود، چرا که ۲۸ میلیون دلار از این فیلم درآمد کسب کرد. او دخالت زیادی در تولید این اثر در گیشه فراتر از مطابق تصویری که دوست داشت از خودش نمایش داده شود، دستکاری کرد. آمازون غیر از ۴۰ میلیون دلاری که برای حق پخش این فیلم پرداخت کرد، ۲۵ میلیون دلار هم بابت بازاریابی آن هزینه کرد اما نهایتاً فروش این اثر در گیشه فراتر از ۱۴۶ میلیون دلار نرفت؛ یعنی حدود نصف پولی که ملانیا از آن به جیب زد. حواشی این فیلم از زمان تولید آن آغاز شد و در پاسخ به چنین جوی، به کارمندان آمازون گفته شد «به دلایل سیاسی» نمی‌توانند از کار روی مستند ملانیا انصراف دهند اما دوسوم از عوامل تولید نیویورک درخواست کردند از تیتراژ حذف شوند که این موضوع را هم می‌توان در نوع خود یکی از موارد کم‌سابقه در تاریخ سینمای جهان دانست.

■ **گران‌ترین مستند دنیا و منفورترین فیلم تاریخ**

پس از آنکه ملانیا ترامپ رنگ افتتاحیه مستندی درباره خودش را در بورس نیویورک به صدا درآورد و دونالد ترامپ هم در انتظار اکران فیلم، از آن را شبکه اجتماعی Truth Social تبلیغ کرد، این فیلم برای نخستین بار در مرکز کندی به نمایش عمومی درآمد البته قبل از آن، مراسم نمایش و شام در کاخ سفید به حضور ۷۰ مهمان برگزار شد. یک گروه موسیقی نظامی هنگام استقبال از مهمانان، آهنگ «والس ملانیا» ساخته تونی نیمن را نواخت. مستند ملانیا قبل از انتشار، در Letterboxd مورد انتقاد شدید قرار گرفت اما همه نظرات توسط مدیریت این شبکه اجتماعی حذف شد. این فیلم در آغاز راه اکران، روی بلیتورها و در ایستگاه‌های اتوبوس سراسر لس‌آنجلس، شهری که پایتخت سینمایی آمریکاست تبلیغ می‌شد اما این بلیتورها توسط گروه هنری

یادداشتی بر فیلم سینمایی «کوچ» که در چهل‌وچهارمین جشنواره فجر به نمایش در آمد

«اقتباس آزاد» یا ...

■ **اقتباس آزاد؛ آزادی بی‌تعریف**
فیلم روایت خود را «اقتباس آزاد» می‌نامد اما این عنوان بیش از آنکه انتخاب آگاهانه فرمی باشد، به پوششی برای فقدان روایت بدل شده است. اقتباس آزاد به معنای حذف منطق درونی، گرافیکنی یا حتی ترسیم یک مسیر حقایقی از سرگذشت شخصیت نیست. خاصه شخصیت‌های بزرگ، «کوچ» روایتی چندپاره ارائه می‌دهد که نه به هم متصل می‌شود و نه تصویری منسجم از هویت شخصیت اصلی می‌سازد. پرسش اساسی این است: اقتباس آزاد دقیقاً چه مرزی برای معرفی هویت یک ژنرال بزرگ ترسیم می‌کند؟ فیلم هیچ پاسخی به این پرسش نمی‌دهد. ■ **کودکی و نوجوانی؛ انباشت خرده‌مخاطب‌های بی‌کارگرد**
تمرکز فیلم بر کودکی و نوجوانی حاج‌قاسم سلیمانی، در ذات خود، انتخابی قابل دفاع است اما فیلم هرگز روشن نمی‌کند چرا این مقطع زمانی انتخاب شده و قرار است چه چیزی را توضیح دهد. آنچه می‌بینیم مجموعه‌ای از خیاباری‌ها، دردرس‌سازی‌ها و رفتارهای بی‌هدف است که نه به ریشه شخصیتی شهید بزرگوار می‌رسد و نه حتی به تحولی درآینده‌ای ختم می‌شود. ■ **بحران تمرکز روایی؛ قهرمان کیست؟**
یکی از ضعف‌های بنیادین فیلم، فقدان تمرکز بر شخصیت اصلی است. روایت مدام میان قاسم، پدر، مادر بزرگ و معلم جابه‌جا می‌شود، بی‌آنکه این جابه‌جایی به ساختاری مشخص



روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیکی
پيام‌رسان:
چاپ: موسسه جام‌چم پرتز برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

«ehearsal is for fags» یعنی تست‌رین برای همجنس‌گراهاست. این یک تعبیر لاتکی بود که مشخصاً معادل عبارت همجنس‌بازی نیست و نوعی فحش برای سوسول‌ها به حساب می‌آید اما در آن دوره هالیوود در حال حساس شدن به مسائل LGBTQ بود. GLAAD گروه حقوق همجنس گرایان) و رسانه‌هایی مثل Advocate و NPR فوراً واکنش نشان دادند و کمپینی به راه انداختند. راتنر همان موقع استعفا داد چون آکادمی اسکار نمی‌خواست ریسک کند؛ آنها می‌ترسیدند مراسم‌شان به خاطر یک مجری جنجالی بایکوت شود و در واقع، این استعفا بیشتر یک تصمیم تجاری بود تا عدالت‌محور؛ چون فروش بلیت‌ها و اسپانسرها مهم بودند. به عبارت ساده و سراسرت می‌شود گفت همجنس‌بازان در حال نسق کشیدن از هر کسی بودند که کوچک‌ترین تعریضی به آنها بکند و در این راه بی‌رحمانه در حال قربانی گرفتن از بزرگ‌ترین اسم‌های هالیوود بودند. راتنر بعداً به خاطر اظهاراتش عذرخواهی کرد و ادی مورفی که قرار بود مجری مراسم باشد هم به احترام تیم تولید جدید استعفا داد. دوره افول راتنر شروع شد تا اینکه در ۲۰۱۷ میلادی اوضاع برای او باز هم بدتر شد.

اکتبر ۲۰۱۷ در جریان جنبش MeToo، یک کارمند سابق آژانس استعدادیابی، راتنر را به تجاوز جنسی متهم کرد. در اول نوامبر همان سال ۶ زن، از جمله اولیویا مان و ناتاشا هنسرتیچ، راتنر را به تجاوز جنسی و آزار و اذیت متهم کردند و در همان ماه، الیوت پیچ هم راتنر را به آزار جنسی در مقابل بسیاری از تماشاگران از جمله آنا پاکوین، که بعداً این داستان را تأیید کرد، متهم کرد. سپس یک مدل سابق مد به حادثه‌ای مربوط به راسل سیمونز و راتنر در سال ۱۹۹۱ اشاره کرد و گفت سیمونز در حالی به او تجاوز وحشیانه‌ای کرده که راتنر حضور داشته است. پیرو طرح این دعوای، کمپانی برداران وارنر اعلام کرد روابط خود را با برت راتنر قطع می‌کند و یک سال بعد قرارداد ۴۵۰ میلیون دلاری این کمپانی برای تولید مشترک با RatPac، یعنی شرکت راتنر را تمدید نکرد. طبیعتاً هر فردی با این حجم از اتهامات دیگر هیچگاه نمی‌تواند به عرصه فعالیت برگردد اما راتنر قرار بود چند سال بعد بازگشت گران‌قیمتی داشته باشد؛ نه به واسطه اینکه اتهامات قبلی مردود اعلام نشده‌اند و بی‌گناهی او به اثبات رسیده است، بلکه به واسطه اتصال او به اشتباهی سیری‌ناپذیر خانواده ترامپ در خودسنایی، نکته شوکارا اینجاست که راتنر چند سال پس از آن اتهامات جنسی هولناک، در حالی به صحنه برگشت و حالا فیلمش روی پرده‌های سینمایی سراسر نیاست که همزمان رسوایی بسیار بدتری برایش ایجاد شده و این بار تمام این موارد هم باعث نشدن او مجبور شود از کار کنده بشود. عسکی که دسامبر ۲۰۲۵ به عنوان بخشی از پرونده‌های اپستین منتشر شد، راتنر را در حال ژست گرفتن با ژان لوک برولن، یکی از همکاران جفری اپستین، سرمایه‌دار وقاح‌پاچی جنسی کودکان نشان می‌داد. این عکس قبل از انتشار مستند «ملانیا» منتشر شد و اگر روی مفاسد و جنایات جزیره اپستین در حد و اندازه استفاده از واژه همجنس‌گرایی به عنوان یک فحش حساسیت وجود داشت، طبیعتاً اکران فیلم راتنر باید لغو می‌شد. با این حال چنین اتفاقی رخ نداد و متعاقباً تصاویر بیشتری که در ژانویه ۲۰۲۶ منتشر شدند، راتنر را در حالی نشان می‌داد که به همراه اپستین و ۲ زن جوان روی مبل نشسته است. یکی از این عکس‌ها راتنر را در حال نوازش یکی از آن زن‌ها نشان می‌دهد و در یک موقعیت جداگانه نیز راتنر در کنار اپستین، برنول و ۳ زن دیگر ظاهر شده است. حالا سوال این است: هالیوود چرا این‌بار ساکت شده و مثل پلیس امنیت اخلاقی برخورد نمی‌کند؟ لئوناردو دی‌کاپریو، کیت بلاتشت و کامرون دیاز پس از ذکر نام‌شان در اسناد ۲۰۲۴، بیانیه‌هایی صادر کردند و تأکید داشتند هیچ ملاقاتی با اپستین نداشته‌اند؛ بی‌آنکه کوچک‌ترین سند یا استدلال قابل قبولی در برابر ذکر صریح نام‌شان در آن اسناد ارائه کنند. کوین اسپیسی در حالی که حضور در پروازهای اپستین را تأیید کرد اما هرگونه اطلاع از جرائم را انکار کرد. بسیاری از بازیگران و کارگردان‌ها هم مانند بروس ویلیس، جورج کلونین یا آنجیلینا جولی با فقط ذکر نام‌شان در دعوت‌نامه‌ها، تا به حال سکوت کرده‌اند یا فقط انکار کرده‌اند؛ بی‌آنکه در برابر اسناد واضحی که ارائه شده، دلیل مشخصی برای مردود بودن آنها ارائه کنند. دلیل اینکه برت راتنر می‌تواند به صحنه برگردد هم دقیقاً همین است؛ ریکی جرویز اخیراً سکوت هالیوود را به ترس نشانه داد. همه پای‌شان گیر است؛ حتی دموکرات‌هایی که از موضع پلیس امنیت اخلاقی، ترامپ یا سایرین را به تعرض یا توهین لسانی به زن‌ها متهم می‌کردند!

یا نقطه‌نظر روایی واحدی برسد در نهایت، فیلم به جای پرت‌های از حاج‌قاسم نوجوان، به الیوهی از خرده‌تصاویر اطرافیانش تبدیل می‌شود. در فیلمی با چنین سوزهای، این پرکندگی نه یک انتخاب هنری، بلکه یک خطایی راهبردی است.

■ **تکنیک در خلأ محتوا و طنزی که پذیرفته نشد**

با وجود کیفیت فنی قابل قبول، تکنیک در کوچ معلق می‌ماند؛ نه روایت را تقویت می‌کند و نه حس واحدی می‌سازد. موسیقی نیز ناهماهنگ با تصویر است و به جای ایمن‌بود عاطفی، بر گسست فیلم می‌افزاید. واقعیت این است که اگر فیلمسازان آگاهانه به سمت ساخت یک طنز کودکانه می‌رفتند، نتیجه می‌توانست بسیار موفق‌تر باشد. بسیاری از موقعیت‌ها خنده‌دارند، بازی کودکان ظرفیت طنز دارد و فضای بصری فیلم مستعد چنین رویکردی است اما فیلم میسان‌طنز کودکانه و روایت جدی از کودکی یک ژنرال فرامرز می‌معلق می‌ماند و هیچ کدام را به سرانجام نمی‌رساند. در نهایت باید گفت مسأله اصلی کوچ فراتر از خود فیلم است، زبرا با سوزهای مواجهه‌ای که شاید تنها یک بار امکان روایت سینمایی داشته باشد. چنین سوزهای دقت، انسجام و تصمیم‌گیری روشن می‌طلبد اما کوچ نه تصمیم دارد، نه تمرکز و نه روایت. اما فیلم بیش از آنکه یک روایت باشد، مجموعه‌ای از نیت‌هاست؛ نیت‌هایی که هرگز به ساختار تبدیل نمی‌شوند و در نهایت، سوزهای یگانه را در روایتی شاخته و بی‌تعریف می‌سوزانند.